



۲۰۱۴/۰۹/۱۱



حامد نوید

## میانجیگری امریکا آیا «مداخله در امور ملی افغانستان» است؟

اوضاع نا بسامان سیاسی کشور و جار و جنجال های اخیر انتخاباتی بدیهی است که موجب نگرانی هر افغان متعهد به منافع ملی کشور و معتقد به یک پارچگی افغانستان یعنی خانه مشترک تمام اقوام و اقشار میهن مارا فراهم آورده و فضای نا مطمئنی را در کشور مستولی نموده است.

مسلم است که همه از ادعا های جناح انتخاباتی داکتر عبدالله عبدالله مبنی بر تقلب گسترده از جانب جناح انتخاباتی داکتر اشرف غنی و عدم کفایت کمسیون انتخابات در مدیریت سالم جریان انتخابات ریاست جمهوری افغانستان، مطلع اند، اما تهدید بر تشکیل حکومت موازی از جانب جناح انتخاباتی داکتر عبدالله بر این نگرانی ها افزود تا پای میانجی گری ایالات متحده امریکا توسط "جان کری" وزیر خارجه آن کشور به میان آمد و زمینه تقاضای ضمیمی را بین دو کاندید "پیشواز" پدید آورد، اما اصل موضوع درین نکته نهفته است که آیا این دو جناح انتخاباتی واقعاً ممثل اراده ملت افغانستان هستند و یا اینکه هر دو جناح به بهانه اینکه پشتیبانی مؤکلین و هواداران خاص خود را دارند، قاطبه ملت افغانستان را به گروگان گرفته اند؟ در حالیکه همه می دانیم که تنها هفت و نیم تا هشت میلیون افغان از سی میلیون نفوس کشور به این دو کاندید به اصطلاح پیشواز رأی داده اند، که بدین ترتیب تعداد طرفداران هر کدام شان از سه یا چهار میلیون نفر تجاوز نمی کند.

از جانب دیگر، عده یی از هموطنان ما «میانجیگری» حکومت ایالات متحده امریکا را «مداخله در امور ملی افغانستان می دانند زیرا از نگاه پرنسیپ های پذیرفته شده حقوق بین الدول، کشور ثالثی نباید در امور انتخابات ریاست جمهوری یک کشور مستقل مداخله نماید، اما از آنجایی که کشمکش های سیاسی اخیر افغانستان عامل بیرونی دارد، باید پای دیگران به این مسأله کشانیده می شد. مبرهن است که هرگاه قدرتمندان و جناح های سیاسی یک کشور زمینه مداخلات دیگران را فراهم آورند، چنین مداخلاتی صورت خواهد گرفت.

با آنکه نمی توان بر تمام روش های سیاسی امریکا در میهن ما، بخصوص نصب اشخاص نا سالم برای پیشبرد امور مهم دولتی در یک کشور آسیب یافته از جنگ، مهر صحنه گذاشت، اما این میانجیگری درین شرایط خاص به موقع صورت گرفت. بر علاوه، اظهارات "جان کری" مبنی بر افغانی بودن این پروسه و تأکید وی برای دریافت یک راه حل افغانی برای رفع یک معضله افغانی از انتقادات بیشتر در این مورد خاص کاست. از جانبی طرح ایجاد یک دولت وحدت ملی با پایه های وسیع که در آن تمام جناح های مطرح سیاسی افغانستان خود را شریک بدانند شاید بتواند فضای سالمتر سیاسی را در کشور پدید آرد.

به قرار مصاحبه های متعددی که آقای داکتر وحید وحیدالله، آگاه امور خاص ملل متحد در رفع منازعات جهانی با رادیو آشنا، صدای امریکا، رادیو بی. بی. سی. سی. نموده و به حواله این رسانه ها مهندس این طرح است، این پروسه در سه مرحله کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت صورت می گیرد که مرحله عبوری دو ساله «میان مدت»، زمینه تقاضای سیاسی و فضای همکاری را برای یک انتخابات کاملاً دیموکراتیک و ایجاد رهبری سالم در مرحله سوم به ارمغان خواهد آورد. گر چه از قوه به فعل آوردن این پروسه وقت گیر است و حوادث سیاسی در حال انکشاف منطقه بالای آن بی اثر نخواهد بود، اما آنچه برای من، منحصیث یک افغان، در مصاحبه داکتر وحیدالله با خانم زهره داود یوسف اهمیت داشت، همانا تأکید وی بر حفظ وحدت ملی و تمامیت ارضی افغانستان است که با تأیید قدرت های جهانی و کشورهای شامل ناتو همراه می باشد.

این مسأله از آن جهت در خور اهمیت است که بالاخره قدرت های غربی به این حقیقت رسیده اند که موضوع وحدت ملی در افغانستان یک پروسه تاریخی است نه یک پروسه تخنیکی که بر اساس مصلحت های سیاسی جهانی ایجاد گردیده باشد. زیرا بافت اجتماعی کشور کهنسال افغانستان بر زندگانی باهمی مردمان آن متکی است. اشتباه سیاسی

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

شوروی وقت در دهه هشتاد، نادیده گرفتنِ واقعیت های تاریخی و فرهنگی افغانستان و پیاده نمودن یک رژیم وارداتی کمونیستی (نوع روسی) در سرزمینی بود که ممیزات معین اجتماعی خود را داشت و در فرجام دیدیم که این تلاش به ناکامی انجامید. ایالات متحده امریکا نیز از آغاز دهه دو هزار به این طرف کوشیده تا دیموکراسی نوع غربی را در افغانستان پیاده کند که نتیجه آن همین است که می بینیم.

به عقیده اینجانب، طرح سه مرحله بی کنونی زمانی به موفقیت خواهد انجامید که بر واقعیت های تاریخی و ارزش های اصیل فرهنگی مردم افغانستان استوار بوده و مردم خود را در حکومت سهیم و حکومت آینده را زاده اراده آزاد خود بشمارند.

از آنجا که حق تعیین سرنوشت سیاسی یک کشور حق طبیعی مردم آنست، باید به این پرنسیپ احترام گذاشت و از پروسه های سیاسی طرح یافته در پشت درب های بسته دوری گزید.

**به امید آزادی کامل، رفاه و سربلندی ملت بزرگ افغانستان**

---

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ